

تقابل دو اندیشه رابطه‌ی فردوسی و گرکانی

پژوهش گر = حشمت الله عزیزی (فوق لیسانس تاریخ)

بزرگ نیمه‌ی نخست قرن پنجم و معاصر فردوسی می‌باشد. هجویری وی را «قطب زمانه، و در زمانه‌ی خود یگانه»^۱ معرفی می‌کند. جامی نیز درباره‌ی او می‌گوید: «نام وی علی است، در وقت خود بی‌نظیر بود و در زمان خود بی‌عدیل، نسبت وی به سه واسطه به سید - الطایفه جنید می‌رسد.»^۲

شیخ ابوالقاسم گرکانی که ابوعلی فارمه‌ی (۴۷۰ قمری) استاد امام

محمد غزالی (۵۰۵ قمری) از شاگردان وی بوده و هجویری مؤلف «کشف المحجوب» اکثر پرسش‌های خود را از وی می‌پرسیده، در میان اهل تصوف مقام بزرگی داشته است، تا جایی که طبق روایت اسرار التوحید با ابوسعید ابوالخیر در توس چون «دو پادشاه در یک وقت بر یک تخت و بر یک دل»^۳ بودند. اما موضوعی که در مورد شخصیت این عارف بزرگ سؤال برانگیز است، رابطه‌ی او با حکیم فردوسی است.

هم‌چنان که گفته شد، بین آن عارف مشهور و این حکیم بزرگ که در یک زمان با هم در توس زندگی می‌کرده‌اند، برخوردهایی وجود داشته است.

در چهار مقاله‌ی عروضی، اسرارنامه‌ی عطار، تاریخ گزیده و ظفرنامه‌ی مستوفی، مجالس النفایس امیر علی شیر نوایی، تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی و ریاض العارفین هدایت، در روایت‌های مشابهی آمده

استاد ابوالقاسم منصور بن حسن، مشهور به فردوسی (متوفی ۴۱۶ یا ۴۱۱) شاعر بلند آوازه ایرانی که در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم می‌زیست، با خلق شاهنامه، بزرگ‌ترین کتاب فارسی که در سراسر جهان مورد توجه و اعتبار ویژه می‌باشد، در واقع ایران پیش از اسلام را به ایران پس از اسلام پیوند داد.

برخلاف پژوهش‌ها و کارهای صورت گرفته در مورد فردوسی و شاهنامه، یکی از مسائلی که در رابطه با این شخصیت بزرگ تا حدی محل اختلاف بوده و هست، رابطه‌ی ایشان با هم‌شهری عارف خود شیخ ابوالقاسم علی بن عبدالله گرکانی (در گذشت ۴۵۰ قمری) می‌باشد.

داستانی هست که می‌گوید، این صوفی بزرگ از گزاردن نماز بر جنازه‌ی فردوسی امتناع کرده است. شیخ ابوالقاسم گرکانی از صوفیان

ر طول مدت عمر ۱۰۰۰ ساله‌ی حکیم
یم فردوسی، بسیاری از بی‌خردان کوشیده‌اند تا به
شکلی مستقیم و یا غیر مستقیم، دانش، حکمت و
خردورزی فردوسی را زیر سؤال ببرند، اما خدای
فردوسی هرگز اجازه نداده است تا دراز دستان
زمانه پای خود را از گلیمشان بیش تر دراز کنند.



است که گرگانی از گزاردن نماز بر جنازه فردوسی و از دفن وی در گورستان مسلمانان خودداری کرده است. صاحب چهار مقاله می‌نویسد: «ابوالقاسم گرگانی معاصر سلطان محمود غزنوی بود و به وقت وفات فردوسی شاعر، که او را در گورستان مسلمانان دفن می‌کردند، منع کرد و گفت: او ماح گبران و کافران بود. پیغمبر صلعم «صل الله علیه و آله و سلم» فرمود: «من تشبه بقوم فهو منهم». شیخ همان شب فردوسی را به خواب دید، حله‌های روحانیون پوشیده و در مکانی شایسته جای دارد. تعجب کردو از فردوسی پرسید، این مکان و این اهمیت چه گونه یافت؟

فردوسی گفت: «خدای متعال بر من رحمت کرد و فرمود اگر مردود گرگانی گشتی، مقبول منی. بدین بیت که توحیدم گفתי:
جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه‌ای، هر چه هستی تویی.»^۴
بعضی نیز گفته‌اند که گرگانی بعد از خواب دیدن فردوسی از کرده خود پشیمان شده بر سر قبر وی می‌رود و بر او نماز می‌گذارد و خوابش را نیز پیش مردم بازگو می‌کند که مردم نیز با شنیدن خواب شیخ، به بزرگی مقام فردوسی معتقد می‌شوند.^۵

عطار نیشابوری نیز در اسرارنامه^۶ این چنین حکایت را به نظم کشیده است:

شنیدم که فردوسی طوس
به بیست و پنج سال از نوکِ خامه
به آخر چون که شد عمرش به آخر
اگر چه بود پیری بی نیاز او
چنین او گفت که: فردوسی بسی گفت
به مدحِ گبرکانِ عمری به سر برد
مرا در کارِ او برگ و ریا نیست
چو فردوسی مسکین را ببرند
در آن شب او را دیدند در خواب
زمرّد رنگِ تاجی سبز بر سر
به پیشِ شیخ بنشست و چنین گفت
نکردی آن نماز از بی نیازی
خدای من جهانی بر فرشته
فرستاد او ز لطف و کارسازی
خطم دادند بر فردوسِ اعلی
خطاب آمد که ای فردوسی پیرا
مشو نومید از فضلِ الهی

که کرد او در حکایت بی فسوس
به سر می‌برد نقشِ شاهنامه
ابوالقاسم^۷ که بود شیخ الاکبر
نکرد از راهِ دین بر وی نماز او
همه در مدحِ گبری ناکسی گفت
چو وقتِ مردن آمد، بی خبر مرد
نمازم بر چنین شاعر روا نیست
به زیرِ خاکِ تاریکش سپردند
که پیشِ شیخ آمد دیده بر آب
لباس سبزتر از سبزه در بر
که‌ای جانِ تو با نورِ یقین جفت!
که می‌نگد آیدت زین بی نمازی
همه از فیضِ روحانی سرشته
که ناکردند بر خاکم نمازی
که فردوسی به فردوس است، اولی
اگر راندت ز پیش آن طوسی پیر^۸
مده بر فضلِ ما بخلی گواهی



چنان می‌نماید که مراد از این ابوالقاسم همان شیخ ابوالقاسم علی بن عبدالله گرکانی صوفی معروف نباشد، زیرا عطا، خود از بزرگان صوفیه بوده و این واقعه را برای فردوسی آورده است و اگر یکی از متصوفه چنین کاری را کرده بود، وی به میان نمی‌آورد...^{۱۳}

ادامه در شماره آینده

پانوشت‌ها:

کتاب‌نامه

- ۱- هجویری، ابوالحسن، کشف المحجوب، تصحیح محمد حسین تسیحی، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸
- ۲- جامی، عبدالرحمانی، نفحات الانس، تصحیح مهدی توحید پور، تهران، کتاب‌فروشی سعدی، ۱۳۳۶، ص ۳۰۷
- ۳- محمد بن منور، اسرارالتوحید، ج ۱، تصحیح شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۷۲.
- ۴- نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر، چهار مقاله، به کوشش محمد معین، تهران، کتاب‌فروشی زوار، چاپ سوم، ۱۳۳۳، ص ۲۵۴ مقایسه کنید با، سمرقندی، امیر دولتشاه بن علاء الدوله بخشیشاه، تذکره الشعراء، تصحیح ادوارد براون، چاپ لیدن، ۱۳۱۸، ص ۵۴؛ هدایت، رضا قلی خان، ریاض العارفین، تهران، ۱۳۱۶، صص ۷-۳۷۶.
- ۵- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، با مقدمه‌ی بایسنقری، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۴، مقدمه ص ۵
- ۶- عطار نیشابوری، فرید الدین، اسرار نامه، به تصحیح سید صادق گوهرین، تهران، چاپ شرق، بی تا، صص ۱۹۰-۱۸۸.
- ۷- ابوالقاسم گرکانی
- ۹- امیر علی شیر نوایی، مجالس النفاثس، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳، صص ۳۴۴-۳۴۲
- ۱۰- ریاحی، محمد امین، سرچشمه‌های فردوسی شناسی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۶.
- ۱۱- ذکر کننده - آخوند - مداح - واعظ
- ۱۲- مستوفی، حمد الله، تاریخ برگزیده به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۳۹، ص ۶۶۱؛ همچنین مستوفی در ظفرنامه این حکایت را به شعر در آورده است. نک، ریاحی، صص ۳-۳۲۱.
- ۱۳- عوفی، محمد بن محمد، لباب الالباب، تصحیح ادوارد براون و علامه قزوینی، با تصحیح و تعلیقات سعید نفیسی، تهران، ابن سینا ۱۳۳۵، صص ۷۶۹-۷۶۷.

در تمام دوره‌های تاریخی، سطحی نگران، دگم اندیشان و نادانان روزگار، در جدال با صاحبان عقل و اندیشه از ترفند حیل‌گرایانه‌ی «شکل مار» به جای «نوشته‌ی مار» استفاده کرده‌اند و توانسته‌اند آدم‌ها بی سواد و نادان را به سوی خود جلب نمایند.

هم‌چنین حکیم شاه محمد قزوینی که تذکره مجالس النفاثس امیر علی شیر نوایی را به فارسی ترجمه کرده در فصلی که بر آن افزوده نکته‌ای را بر حکایت نماز خواندن شیخ ابوالقاسم بر جنازه فردوسی اضافه کرده که بیان‌کننده احساس دوستانان فردوسی بوده که ذکر آن خالی از لطف نمی‌باشد.

«... و چون فردوسی وفات کرد شیخ ابوالقاسم گرکانی بر او نماز نکرده و عذر گفته که او مداح کفار بوده، و (پس) از آن به کشف (و در خواب) مشاهده کرد، که فردوسی در بهشت فردوس با حور در قصور است. شیخ به او گفت: به چه چیزی خدای تعالی تو را آمرزیده و در جنت ساکن گردانید؟»

فردوسی گفته: به دو چیز: یکی به آن که تو بر من نماز نکردی! و دیگر آن که این بیت در توحید (حضرت حق تعالی) گفته‌ام که:

جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه‌ای، هر چه هستی تویی!

در مورد شخصیت گرکانی نیز اختلاف نظر وجود دارد. در بعضی از نسخه‌های چهار مقاله^{۱۱} اسمی از شخص خاص برده نشده، بلکه آمده است که «مذگری»^{۱۱} از طهران بوده که از دفن جنازه فردوسی در گورستان مسلمانان خودداری کرده است. اما عطار به جای «مذکر» از «شیخ ابوالقاسم» نام برده که بر جنازه فردوسی نماز نخوانده و دیگر این که در قرن بعد حمدالله مستوفی نسبت گرکانی را بر نام ابوالقاسم افزوده است.^{۱۲} یعنی ابوالقاسم گرکانی. سعید نفیسی نیز در تعلیقاتش بر «الباب الالباب» با توجه به این مسئله می‌نویسد: «عطار ابوالقاسم نام را گرکانی نگفته و بیش‌تر چنان می‌نماید که او را طوسی می‌دانسته و